



ارزش مطالعه در زندگی

مؤلف: دکتر راغب سرجانی
مترجم: عبدالرحمن زمانپور

سید قطب



مرکز نشر افکار و اندیشه های سید قطب و محمد قطب

www.ghotb.net

Email: ghotb.net@gmail.com

مختصری از شرح حال مؤلف:

دکتر راغب سرجانی در سال ۱۹۶۴ میلادی در استان غربی مصر متولد شد. در سال ۱۹۸۸ با درجه ی ممتاز از دانشکده ی پزشکی دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۹۲ میلادی از دانشگاه قاهره به مدرک کارشناسی ارشد دست یافت. در سال ۱۹۹۸ در رشته ی جراح مجاری ادراری و کلیه موفق به اخذ رتبه دکترا شد. او اکنون استادیار دانشکده ی پزشکی دانشگاه قاهره است. دکتر راغب سرجانی از شخصیت های بارز اخوان المسلمین مصر به شمار می رود. دکتر راغب موفق شد در سال ۱۹۹۱ حفظ قرآن کریم را کامل کند. استاد به قضایای امت اسلام و مشکلات مختلفش از نقطه نظر تاریخ اسلامی توجه ویژه ای دارد و از درس و عبرت های تاریخی جهت اصلاح امت استفاده می کند. دکتر در مطالعات تاریخی اش به چند نکته ی مهم توجه دارد:

۱- عوامل برپایی نهضت اسلامی در مراحل مختلف تاریخ و نهایت استفاده از آن در بنای دوباره ی امت اسلامی امروز.

۲- دمیدن روح امید در نفوس مسلمانان و به ویژه جوانان در ممکن بودن خیزش دوباره ی امت اسلامی و بیرون آوردن امت اسلامی از وضعیت نامطلوب فعلی با توجه به وضعیت مشابه در تاریخ پر فراز و نشیب امت اسلامی.

۳- نشان دادن چهره ی حقیقی تاریخ اسلامی با ممیزات آن به عنوان فرهنگی بی نظیر در اخلاق انسانی و رفتاری و علمی و زیباشناسی بر خلاف آن چه بسیاری برآند که تاریخی مملو از درگیری است و فقط به جوانب سیاسی پرداخته اند.

ایشان طی بیست سال ارتباط عمیق با گنجینه های تاریخ اسلامی و طی تعداد زیادی کشورهای جهان در آمریکای شمالی و اروپا و مصر و کشورهای خلیج آثار ارزشمندی از سخنرانی ها، کتاب ها، مقالات، تحلیل های تاریخی و واقعیت اسلامی و... به امت اسلامی هدیه نموده است. تاکنون ۱۸ کتاب در زمینه ی تاریخ و فکر اسلامی از ایشان چاپ شده است و در چندین شبکه ی ماهواره ای برنامه تقدیم می کند. و دارای صدها نوار سخنرانی است از جمله:

- اندلس از فتح تا سقوط. (۱۲ سخنرانی)
- فلسطین تا اندلسی دیگر نشود. (۱۲ سخنرانی)
- ابوبکر صدیق رضی الله عنه دوست و خلیفه ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. (۶ سخنرانی)
- ابوبکر صدیق رضی الله عنه و حوادث سقیفه. (۶ سخنرانی)
- در پرتو سیرت نبوی (دوران مکی و مدنی). (۴۶ سخنرانی)
- داستان تاتار از ابتدا تا عین جالوت. (۱۲ سخنرانی)
- همچون صحابی باش. (۱۲ سخنرانی)
- چگونه عالم می شوی؟ (۱۰ سخنرانی)

■ تألیفات استاد راغب سرجانی به شرح زیر است:

- ۱- داستان جنگ های صلیبی، بین تاریخ و واقعیت (دو جلد).
- ۲- داستان علوم پزشکی و تمدن اسلامی.
- ۳- وظیفه ی امت در قبال فلسطین.
- ۴- علم و بنای امت ها.
- ۵- داستان تاتار از ابتدا تا عین جالوت.
- ۶- تو و فلسطین.
- ۷- چه کسی خریدار بهشت است؟
- ۸- در زمان ابرهه نیستیم.
- ۹- کیفیت محافظت بر نماز صبح.
- ۱۰- چگونه قرآن حفظ کنید.
- ۱۱- امتی که نمی میرد.
- ۱۲- اگر یاری اش ندهید.
- ۱۳- مطالعه برنامه زندگی است.
- ۱۴- نامه ای به جوانان امت.
- ۱۵- فلسطین ضایع نخواهد شد.
- ۱۶- شکنجه در زندان های آزادی.
- ۱۷- رمضان و ساختار امت.
- ۱۸- حج فقط برای حجاج نیست.
- ۱۹- قطع رابطه، برادر پزشکم قطع رابطه کن.

عبدالرحمن زمان پور

«مدرسه دینی سلطان العلماء رویدر»

❖ ارزش مطالعه در زندگی ❖

از بعضی مردم زیاد می شنویم که می گویند به چه علاقه داری؟
و می بینیم که جواب ها خیلی متفاوت است...
یکی می گوید: به شنا کردن علاقه دارم.
دیگری می گوید: به صید ماهی علاقه دارم.
و سومی می گوید: به سفر و گشت و گذار علاقه دارم.
هر انسانی از علاقه مندی اش سخن می گوید و چه بسا علاقه این فرد با دیگری تفاوت داشته باشد. ولی بعضی ها می گویند: به مطالعه علاقه دارم!!! به نظرم این چیز عجیبی است که کسی بگوید به مطالعه علاقه دارم.
آیا صحیح است کسی بگوید به نوشیدن آب علاقه دارم؟
همه مردم آب می نوشند؛ بنابراین آب نوشیدن علاقه نیست بلکه ضرورت است. همچنین صحیح نیست کسی بگوید به خوردن علاقه دارم... چرا؟ زیرا خوردن ضرورت است و علاقه نیست. همه مردم گرسنه می شوند و بایستی بخورند. شاید به غذایی بیشتر علاقه داشته باشی، این درست ولی امتناع از خوردن و یا تنفس (بدون شک) باعث هلاکت انسان می گردد؛ زیرا این چیزها برای زندگی هر انسانی ضروری است.
به نظر بنده؛ مطالعه نیز برای هر انسانی ضروری است.
مطالعه یکی، دوتا کتاب یا یک روز در هفته و یا یک ماه در سال کافی نیست. بلکه بایستی مطالعه برنامه زندگی ات باشد.
هیچ روزی نباید بدون مطالعه بگذرد و هر مطالعه ای هم منظور نیست. بلکه مطالعه مفید و سودمند منظور است. مطالعه سازنده نه ویرانگر و مطالعه اصلاح کننده نه تباه کننده.
بنابراین مطالعه علاقه نیست. از همین رو مناسب نیست بشنویم کسی بگوید:
به مطالعه علاقه ای ندارم یا به مطالعه عادت نکرده ام یا زود از مطالعه کردن خسته می شوم. این مثل آن است که کسی بگوید: زود از خوردن خسته می شوم، به همین سبب غذا نمی خورم.
اگر بعضی از جوانب سیره نبوی را مورد تأمل قرار دهید... می بینید که به قضیه مطالعه و خواندن اهمیت زیادی داده شده است و آنگاه هیچ شگفتی در این سخن من نمی بینید که می گویم:
مطالعه علاقه نیست، بلکه عملاً برنامه زندگی است.
به عنوان مثال می خواهم اولین نزول جبرئیل علیه السلام بر رسول الله ﷺ را مورد تدبر قرار دهید. آیا کلمه عظیمی که با آن وحی بر رسول الله ﷺ آغاز شد (کلمه اقرأ) جای تدبر و اندیشیدن ندارد! ممکن بود وحی با هر کلمه دیگری شروع شود ولی این قرآنی که نزولش ۲۳ سال ادامه یافت با همین کلمه اقرا شروع شد.
با این که پیامبر ﷺ درس ناخوانده بود و خواندن بلد نبود اما این کلمه رو به او بود. در حالی که رسول الله ﷺ به هزاران ارزش های ستوده و ویژگی های زیبا آراسته بود و ممکن بود که قرآن سخن خود را با یکی از آن

صفات شروع کند ولی وحی خطابش به خاتم پیامبران را با امری صریح و مستقیم شروع کرد که در یک کلمه مختصر شده و برنامه زندگی امت اسلام را به همراه دارد.

از آن جا که رسول الله ﷺ نمی دانست چگونه بخواند و چه بخواند! واضح و روشن جواب داد: خواندن بلد نیستیم. و گمان کرد که همین کلمه کافی است تا جبرئیل سخن خود را از موضوعی دیگر شروع کند یا این که منظورش را توضیح دهد. ولی جبرئیل سخت رسول الله ﷺ را می فشارد تا این که ایشان به سختی می افتد، جبرئیل دوباره امر مختصر "إِقْرَأْ" را برای او تکرار می کند.

جبرئیل در این مرحله فقط به همین یک کلمه اکتفا می کند و رسول الله ﷺ نمی داند منظور جبرئیل چیست و چه می خواهد؟

حتی نمی داند او کیست و چگونه به این مکان راه یافته است؟ ایشان در برابر خود شخص غریبی می بیند که فقط بر یک کلمه تاکید دارد: إِقْرَأْ. برای همین در بار دوم می فرماید: خواندن بلد نیستیم و جبرئیل دوباره پیامبر را سخت می فشارد تا این که وی دچار مشکل می شود. برای بار سوم جبرئیل به او می گوید: اقرا... و پیامبر پاسخ می دهد بلد نیستیم. بعد از بار سوم که او را می فشارد و رهايش می کند، می گوید:

﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾

همه این ها پیش از آن است که جبرئیل علیه السلام به رسول الله ﷺ بگوید که او فرشته ای است و از جانب پروردگار جهانیان فرستاده شده و او یعنی سرورمان محمد ﷺ رسول الله است و این سخن؛ قرآن است. و پیش از آن است که بگوید این دین جدید، همان اسلام است. پیش از همه این ها با صیغه امر به او می گوید: إِقْرَأْ (بخوان).

آیا این تعبیرها اشاره ای برای امت اسلامی در بر ندارد؟
آیا معقول است نخستین کلمات قرآن که به زمین می رسد از علاقه ای سخن بگوید که ممکن است بعضی ها آن را دوست داشته باشند و بعضی ها از آن متنفر باشند یا بعضی دیگر از آن خسته شوند؟
قرآن بیش از ۷۷ هزار کلمه است و از بین این دریای کلمات، کلمه "إِقْرَأْ" اولین کلمه ای است که نازل می شود. همچنین در قرآن هزاران امر وجود دارد، مثل "اقم الصلاة" (نماز را برپا دار)، "آتو الزكاة" (زکات بدهید)، "وجاهدو فی سبیل الله" (در راه الله جهاد کنید)، "وامر بالمعروف" (به معروف امر کن)، "انه عن المنکر" (از منکر نهی کن)، "اصبر علی ما اصابک" (در مقابل آن چه به تو می رسد صبر کن)، "انفقوا مما رزقناکم" (از آن چه روزی تان داده ایم انفاق کنید)، "توبو الی الله" (به سوی الله برگردید) و امرهای دیگر که در قرآن کریم بسیار است، ولی از بین همه ی این فعل های امر، اولین امری که نازل می شود «إِقْرَأْ» است.

مسئله قرائت (خواندن) به همین کلمات اولیه محدود نمانده است، بلکه پنج آیه اول از قرآن کریم، همه به موضوع قرائت پرداخته و کلمه «إِقْرَأْ» دو بار در آن تکرار شده است: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ و بعد از آن ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ سپس می فرماید: ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ و قلم را به طور خاصی ذکر می کند تا مسئله کاملاً روشن باشد که منظور همان خواندن چیزی است که با قلم نوشته شده است، بدون این که به کنایه بگویند یا احتمالات مجازی مطرح شود.

بعد از این می توانیم بپرسیم: چرا مطالعه می کنیم؟ آیا مطالعه وسیله است یا هدف؟ خواندن وسیله است. ما می خوانیم تا بیاموزیم. الله ﷻ در پنج آیه نخستین از قرآن کریم این مسئله را روشن ساخته است. فرمود: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾

اگر چه هدف از خواندن علم آموختن است، اما الله ﷻ قرآن را با کلمه "تَعَلَّمَ" شروع نکرد، بلکه به طور دقیق از «إِقْرَأْ» استفاده کرد. شکی نیست که برای آموزش راه های زیادی وجود دارد مثل شنیدن، دیدن، آزمایش و تجربه، ولی بزرگترین وسیله در زمینه آموزش، خواندن و مطالعه کردن است. گویا الله ﷻ به ما می آموزد که هر چند وسایل آموزش متعدد باشد، خواندن لازم است. الله ﷻ در این آیات پنج گانه دو ضابطه مهم برای خواندن تعیین می کند:

اول فرمود: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ بنابراین بایستی خواندن با نام الله باشد و خواندن آنچه که الله را به خشم می آورد یا از آنچه از آن نهی نموده، جایز نیست. بلکه منظور خواندنی است که برای الله ﷻ باشد و خواندن مطابق منهج الله ﷻ باشد.. خواندن به نفع زمین و بشر و برای خیر دنیا و آخرت باشد.. اما خواندن بیهوده یا منحرف یا گمراهانه یا گمراه کننده، این ها خواندنی نیست که الله ﷻ در قول "اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ" به آن امر نموده است. این ضابطه مهمی است.

دوم این که مطالعه و علم آموزی تو را از دایره تواضع خارج نکند (به همین جهت به خلقت انسان از علق پرداخته است) و به سبب علمی که آموخته ای دچار تکبر نشوی. بلکه همیشه یادت باشد که الله ﷻ است که با علم و قرائت بر تو منت نهاده است. ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ «بخوان و پروردگارت کریم ترین است. کسی که با قلم آموخت؛ (او همان کسی است که) انسان را آن چه نمی دانست آموخت».

اگر خواننده و متعلم به بالاترین درجات علمی در زمان خود برسد نباید این معنی از ذهنش غایب شود، بلکه باید بداند که الله ﷻ بوده که به او علم آموخته است. الله متعال می فرماید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَیَعْلَمْكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ «و از خدا پروا کنید و خدا (بدین گونه) به شما آموزش می دهد و خدا بر هر چیزی داناست» (البقره: ۲۸۲)

و می فرماید: ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ «مقداری اندک از علم داده شده اید». بنابراین با معلومات بر کسانی که از آن معلومات برخوردار نیستند تکبر موز.

وحی اولیه برنامه‌ای درست برای علم آموزی و استفاده از آن برایمان ترسیم می‌کند که باید اعتراف کنیم که نعمت علم از جانب الله است. همچنین باید توان علمی و مطالعه را در جهتی به کار گیریم که رضایت الله را به دنبال داشته باشد.

این صفحه‌ی درخشان سیرت نبوی را که ورق بزیم صحنه‌ی دیگری را می‌بینیم که نسبت به زمانی که در آن رخ داده و در مقایسه با سایر زمان ها حتی زمان ما بسیار جالب و شگفت آور است. صحنه فدیة اسیران جنگ بدر.

رسول الله ﷺ از اسیر مشرک می‌خواست برای آزادسازی خود ده تن از مسلمانان را خواندن و نوشتن بیاموزد! این چیز بسیار شگفتی است، به ویژه در آن زمانی که بی سوادی شایع و فراگیر بود. ولی خواندن و نوشتن و علم آموزی برای هر امتی که خواهان نهضت، پیشرفت و توسعه باشد نیازی ضروری است.

اگر به وضعیت مسلمانان در ایام جنگ بدر نگاه کنیم می‌بینیم که آنان به اموال نیازمندند، همچنین نیاز دارند که اسیران را نگه دارند تا به قریش فشار وارد کنند، یا اسیران را نگه دارند تا هر گاه مسلمانی اسیر شد به تبادل اسیران پردازند، ولی رسول الله ﷺ به چیزی که از همه مهم تر است می‌اندیشد و آن اینکه به مسلمانان خواندن را بیاموزد. این نکته‌ی مهمی در اندیشه رسول الله ﷺ است، کسی که می‌خواهد امت اسلام را به شکلی متکامل بنیان گذارد. حتی صحابه‌ای که توان خواندن داشت را بر دیگر اصحاب مقدم می‌شمرد. به زید بن ثابت رضی الله عنه نگاه کنید که بر بسیاری از اصحاب مقدم شمرده شده است و به شکلی تقریباً دائمی در کنار رسول الله ﷺ بود، زیرا خواندن و نوشتن را خوب می‌دانست در نتیجه کاتب وحی شده بود و نامه‌های پیامبر ﷺ را می‌نوشت و به سریانی و عبری ترجمه می‌کرد. همه‌ی این کارها را انجام می‌داد در حالی که سنش فقط سیزده سال بود.

همه می‌دانیم که ابوهریره رضی الله عنه چه حافظه‌ای داشت. از همه اصحاب بیش تر احادیث رسول الله ﷺ را حفظ داشت. از زبان خودش بشنویم چنان که در صحیح بخاری آمده است:

«هیچ یک از اصحاب پیامبر ﷺ بیش تر از من حدیث حفظ نداشت» ولی با این حال، درجه عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه را از خودش بالاتر می‌دانست، چرا؟ زیرا او می‌خواند و می‌نوشت. ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: «به جز روایات عبدالله بن عمرو...، زیرا او می‌نوشت ولی من نمی‌نوشتم».

به خاطر این گونه مواضع و امثال آن است که علاقه به خواندن در دل‌های مسلمانان کاشته شده و کتابخانه‌های اسلامی در طول تاریخ اسلامی جزء بزرگترین کتابخانه‌های جهان به شمار می‌رفته است.

بلکه حتی به طور مطلق و برای قرون متوالی کتابخانه‌های اسلامی، بزرگترین کتابخانه‌ها در سطح جهان بوده است. نظیر کتابخانه‌های بغداد، قرطبه، اشبیلیه، غرناطه، قاهره، دمشق، طرابلس، مدینه و قدس.

تاریخی بسیار طولانی از فرهنگ، تمدن و علم.

ارزش خواندن و مطالعه در میزان اسلامی و در تاریخ اسلامی این گونه است.

با همه‌ی این تاریخ درخشان و این همه ارزش، امت اسلامی با کمال تأسف امروزه از بی سوادی شدیدی رنج می برد. عقب گردی حقیقی در امت قرآن. عقب گرد در امتی که اولین کلمه در قانون اساسی اش «إقرأ» بوده و هست.

آمار بی سوادی کامل (کسانی که به کلی خواندن و نوشتن بلد نیستند) در بین ملت های مسلمان به ۳۷ درصد می رسد. با این بی سوادی شدید، کشورهای اسلامی برای امر آموزش کمتر از ۴ درصد از سود ناخالص ملی خود را هزینه می کنند. این بدین معناست که خواندن و نوشتن به کلی محل توجه و اهتمام نیست. این مشکلی بسیار خطرناک است که نیاز به بررسی و تامل دارد. این مقدار ۳۷ درصد همان آمار بی سواد ای است که برای همگان واضح و روشن است، ولی غیر از این بی سواد، مراتب بیشتری از بی سواد غیرمستقیم نیز در این امت وجود دارد.

مراتبی از بی سوادی نزد افرادی وجود دارد که خواندن و نوشتن را خوب بلدند، بلکه چه بسا تحصیلات دانشگاهی نیز به پایان رسانده اند؛ چه بسا افرادی که در خواندن و نوشتن، تاریخی طولانی داشته باشند، ولی از چیزهای زیاد و بسیار مهمی که در دنیای مردم رخ می دهد بی خبرند. افراد دیگری نیز هستند که از نظر دینی بی سوادند.

شخصی استاد دانشگاه است (بعد از برگشت از سفر عمره) از یکی از همکارانش می پرسد: در تشهد باید چه بگوئیم؟ آیا باید فاتحه را بخوانیم؟ این استاد دانشگاه است.

خانمی نیز که استاد دانشگاه است می گوید: همراه شوهرش در خانه نماز جماعت می خواند، گاهی شوهر و گاهی او امام می شوند.

این اشتباهات در نماز رخ می دهد که ستون دین است! تا چه رسد به امور دیگر! حقیقتاً این یک نوع بی سوادی شرم آور است.

مسابقه ای بین جوانان دانشگاهی برگزار شد. یکی از سوالات این بود که خلفای راشدین را به ترتیب نام ببرید؟ متأسفانه هیچ کدام جواب را بلد نبودند.

بعضی ها از نظر سیاسی بی سوادند. از حوادث پیرامونشان در دنیا و کیفیت روند امور بی خبرند. نمی دانند در فلسطین و عراق چه می گذرد. نمی دانند در آمریکا و اروپا چه می گذرد. بلکه حتی نمی دانند در کشورشان چه می گذرد.

بعضی دیگر از نظر آشنایی با قانون بی سوادند. حقوق و وظایف قانونی خود را نمی دانند. و در زمینه های دیگر نیز بر این ها قیاس بگیر.

امروزه مردم مطالعه ای که زندگی سالمی برایشان تضمین کند نیز ندارند، بگذریم از تحصیل علم و مطالعه ای تخصصی و فرهنگ پیشرفته... این نوعی واپسگرایی فرهنگی خطرناک است.

کلید قیام این امت همان کلمه‌ی «إقرأ» است. بدون خواندن و مطالعه امکان قیام امت وجود ندارد. از این رو یکی از مسئولان یهودی می‌گوید: ما از امت اسلام نمی‌ترسیم، زیرا امت اسلام نه می‌خواند و نه مطالعه می‌کند. در حقیقت این یهودی دروغگو راست گفته است. امتی که نمی‌خواند امتی بی‌هیبت است و کسی از او هراسی ندارد.

مشکل دیگری که وجود دارد این است که بسیاری از جوانانی که وقت زیادی صرف مطالعه می‌کنند، کتاب خوبی را برای مطالعه انتخاب نمی‌کنند. بعضی‌ها روزانه ساعت‌ها وقت خود را به مطالعه‌ی ده‌ها صفحه اخبار ورزشی یا هنری یا خواندن داستان‌های عاطفی و رمان‌های عاشقانه و پلیسی تباه می‌کنند. اینان عملاً حروف و کلمات زیادی را می‌خوانند ولی بدون هیچ نفعی ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها، و سال‌ها می‌گذرد ولی بعد از این همه خواندن چه؟ هیچ!

این امر بسیار خطرناک است؛ وقتی ذات خواندن و مطالعه از اهمیت بسزایی برخوردار است، موضوعی که باید مطالعه شود نیز از جایگاه خاصی برخوردار است.

بنابراین ما دو مشکل اساسی داریم:

مشکل نخست: این که بعضی از مردم به مطالعه عادت نکرده‌اند و زود از مطالعه خسته می‌شوند و هر بار که اهتمام ورزند و شروع به مطالعه کنند دوباره دچار کسالت و خستگی می‌شوند. این گونه افراد به وسایلی نیاز دارند که در مطالعه و استمرار بر آن به آنان کمک کند.

مشکل دوم: این است که بعضی دیگر از مردم عملاً مطالعه می‌کنند و اوقات زیادی را با مطالعه می‌گذرانند، ولی از مطالعه هدف معینی را دنبال نمی‌کنند و برای این که مطالعه‌شان سودمند و مفید باشد نمی‌دانند چه چیزهایی مطالعه کنند. این گونه افراد نیاز دارند که راهنمایی شوند تا موضوعاتی که سودمندتر و مفیدتر است مطالعه کنند.

خواهیم کوشید در صفحات آینده به این دو مشکل پردازیم، والله المستعان

چگونه به مطالعه علاقه مند شوم؟

ده وسیله مهم وجود دارد که اگر آنها را به کار بندی خداوند کمکت خواهد کرد تا به خواندن و مطالعه علاقه مند شوی:

۱- این وسیله که به طور کلی مهم ترین وسیله به شمار می آید، عبارت است از داشتن هدف و نیت. هدف از خواندن و مطالعه چیست؟ برای چه مطالعه می کنی؟

من مطالعه می کنم، زیرا الله ﷻ مرا به خواندن امر کرده است و به من و به همه ی مسلمانان با صیغه امر، مستقیم و صریح گفته است: «إقرأ» و از این رو خواندن و مطالعه کردنم به منزله ی اطاعت از پروردگارم است. مطالعه می کنم تا در دنیا و آخرت به خود نفع برسانم. در دنیا و نیز در آخرت بدون علم موفقیت و رستگاری حاصل نخواهد شد.

می خوانم و مطالعه می کنم تا به افراد پیرامونم؛ مادر، پدر، فرزندان، برادران، خواهران، خویشاوندان، دوستان و کسانی که می شناسم و نمی شناسم نفع برسانم. همچون حمل کننده ی مشک باشم که هر کس از کنارش بگذرد از بوی خوشش استشمام می کند و نفع می برد.

می خوانم تا به اتم نفع برسانم، زیرا امتی که نخواند و مطالعه نکند (چنانچه پیش از این اشاره شد) امتی بی-هیت و بی شکوه است و کسی به آنها اهمیت نمی دهد و از قافله پیشرفت عقب می ماند و باید دنباله رو دیگران باشد. به این منظور می خوانم تا اتم را پیشتاز همه امت ها بگردانم.

تو با خواندن، پروردگار جهانیان را از خود راضی می کنی و به خود و کسانی که دوست شان داری و نیز به امت نفع می رسانی. شکی نیست که این انگیزه های بزرگ شور و علاقه ات را به مطالعه بر می انگیزد.

وقتی این نیت در ذهنت باشد ضوابطی که در ابتدای سوره علق ذکر شد را نیز از یاد نخواهی برد. بنابراین تو به نام الله مطالعه می کنی و می خوانی. پس می بایست خواندنت در این سطح باشد. همچنین به سبب مطالعه و علمت بر دیگران تکبر نمی ورزی، زیرا تو می دانی که الله ﷻ بر تو منت نهاده و فضل او باعث شده مطالعه کنی و علم بیاموزی.

بنابراین نیت و تعیین هدف، اولین و مهم ترین وسیله جهت کمک به مطالعه است و با چنگ زدن به این وسیله چیزهای بسیار مهمی برایت محقق خواهد شد. از جمله در ازای هر علم سودمندی که بدست می آوری و در مقابل هر حرفی که مطالعه می کنی یک نیکی برایت حساب خواهد شد، و چون از خواندنت هدفی والا داری، خوب در ذهنت راسخ و ثابت می ماند.

همچنین از آنچه می خوانی به طور حقیقی لذت میبری! نه تنها از علوم شرعی بلکه از همه ی علوم. بنابراین کسی که در زمینه سیاست مطالعه می کند یا در زمینه تاریخ و اقتصاد همه از مطالعات خود لذت می برند. همچنین دانشجویان از درس خواندن شان لذت می برند و بدین وسیله مشکل پدران و معلمان با فرزندان و دانش-

آموزان از بین خواهد رفت. بنابراین به جای فشار آوردن پدران و معلمان به دانش آموزان، لازم است آنان را به درستی به سوی بازنگری در نیت و تعیین هدف راهنمایی کنند تا که روزها و ماه ها و سال ها تلف نشود. بعد از شانزده یا هفده سال دانشجو فارغ التحصیل می شود ولی از سواد مطلوبی برخوردار نیست! واقعا مصیبت است که هدف از مطالعه نادیده گرفته شود. متخصصان علم مدیریت همیشه تاکید دارند که برای موفقیت آمیز بودن هر برنامه ای در زندگی پیش از هر کاری نخست باید در آن هدف به طور واضح و شفاف مشخص شود.

۲- از وسایلی که به مطالعه کردن کمک می کند این است که برای خواندن و مطالعه برنامه ریزی کنی؛ زیرا برای مطالعه بدون برنامه انگیزه ای وجود ندارد. لازم است برنامه روشنی برای مطالعه داشته باشی و برای اینکه این برنامه درست باشد، باید به امکاناتی که در اختیار داری، وقتی که برای مطالعه در نظر گرفته ای، کتاب هایی که در نظر داری مطالعه کنی، توانت در فراگیری آن علوم، توجه کافی و دقیق داشته باشی. همچنین باید بدانی که برای چه مطالعه می کنی؟

بعد از شناخت هر یک از عناصر در پرتو امکانات و توان خود برنامه ریزی کن، مثلاً طی شش ماه آینده این پنج کتاب را مطالعه خواهم کرد یا این بیست کتاب را طی یکی دو سال آینده مطالعه خواهم کرد. بر این اساس که اول فلان کتاب را طی این مدت و بعد فلان کتاب را طی این مدت مطالعه کنم.

لازم است خیلی خوب به برنامه خود پایبند باشی و جز در حالت ضرورت آن را تغییر ندهی؛ چه بسا در ابتدا در برنامه ریزی خسته شوی، ولی هرگاه سخت به آن پایبند شوی موفق خواهی شد. در برنامه ریزی خود میانه رو باش. صحیح نیست که برای مدتی کوتاه خواندن ده ها کتاب را تعیین کنی که در اجرای آن موفق نگردی و چه بسا ناامید شوی. همچنین اختصاص وقت زیاد به چند کتاب اندک نیز صحیح نیست بلکه ضایع ساختن وقت است.

بایستی پس از هر چند ماه توقفی داشته باشی تا نتیجه مطالعه ی گذشته خود را بررسی نمایی. از خود پرسی آیا در برنامه ات واقع گرا بوده ای یا خطاهایی وجود داشته است؟ در صورتی که نتیجه مطلوب به دست نیامده باشد! آیا به دلیل ناکارآمد بودن برنامه بوده یا موانعی وجود داشته است که به بررسی و ایجاد وسایل مقاومت و درمان نیاز دارد؟ که ان شاء الله این بررسی و ارزش گذاری مستمر از عوامل موفقیت برنامه ات خواهد شد. بنابراین بعد از تعیین هدف، برنامه ریزی دومین وسیله ای است که در مطالعه به شما کمک می کند.

۳- تعیین وقت ثابت و مشخص برای مطالعه و بهره برداری از اوقات فراغتی که میان آن ها پیش می آید. یعنی این که منتظر نباشی روز تمام شود و آخر روز آن قسمت تعیین شده را مطالعه کنی. بلکه برای خودت وقتی معین مشخص کن و بهترین وقت را برای مطالعه انتخاب کن و سعی کن وقتی انتخاب کنی که ذهنت در آن قدرت فعالیت داشته باشد و در آن راحت باشی تا بتوانی در مطالعه تمرکز حواس داشته باشی و نتیجه مفیدی به دست آوری.

ممکن است مثلاً وقت مطالعه بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید باشد یا یک ساعت پیش از غروب یا بین مغرب و عشا یا بلافاصله بعد از عشا... و بدین ترتیب وقت معینی برای مطالعه در نظر بگیر.

همچنین شایسته است از اوقات فراغتی که از میان وقتی تا وقت دیگر پیش می آید کمال استفاده را ببری؛ می شود از آن برای مطالعه استفاده کرد. در ارتباطات یا در فروشگاه، وقتی که مشتری وجود ندارد یا در مطب یا دفتر کارت که برای انجام دادن کاری منتظر هستی و... بدین ترتیب در فاصله هایی که پیش می آید اوقات زیادی هست که می شود با مطالعه بهترین استفاده را از آن برد.

بایستی همیشه کتابت همراهت باشد و به مجرد دست دادن فرصت کتابت را بگشایی و مطالعه کنی. می بینی بر عکس گذشته، برکت روز بیش تر شده و طولانی و گسترده می گردد.

۴- این وسیله از اهمیت خاصی برخوردار است و آن تبعیت از روش گام به گام است. بعضی ها وقتی این چند سطر در اهمیت مطالعه را می خوانند شور و شوقشان شعله ور شده و همتشان بالا می گیرد و به سرعت مجموعه ای از کتاب ها را خریداری می کنند و فوری به خواندن آن می پردازند و اوقاتی طولانی را به خواندن اختصاص می دهند و چه بسا اوقات مطالعه شان بر اعمال مهم دیگر در زندگی غالب می شود! به چنین کسانی می گویم گام به گام حرکت کن. زیرا به فرموده ی رسول الله ﷺ: **این دین محکم و استوار است پس با نرمی در آن پیش برو.** به ویژه اگر به مطالعه عادت نکرده ای و بعد از مدتی خسته می شوی و چه بسا از مطالعه باز ایستی؛ باید مثل دوندۀ ماراتن باشی که مسافت طولانی می دود ولی با آرامی و راحتی شروع می کند، سپس به تدریج گام هایش را بیشتر می کند، مطالعه نیز این گونه است. زیرا راهش طولانی است، چون برنامه ی زندگی است و آن را برنامه ی زندگی ات قرار داده ای پس باید با فکر و تعقل شروع کنی تا به اذن الهی به مقصد برسی.

رهرو آن نیست که گهی تند گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

۵- **جدیت:** همان گونه که در ابتدا تاکید نمودیم، مطالعه میل و علاقه نیست بلکه عملی بسیار مهم و جدی است و به فکر، وقت، مال، تلاش و از خود گذشتگی نیازمند است. باید موضوع را جدی گرفت، چون تو می خوانی تا همه کلمات را خوب بفهمی. می خوانی تا فایده برسانی و فایده ببری؛ بنابراین مطالعه کاری بس بزرگ است و به مقداری بهره می بری که خوب در آن تعقل و اندیشه کنی.

خوانندۀ عزیز! نصیحتم به شما این است که هنگام مطالعه هر کتابی با همان دقت و همتی بخوانی که به قصد امتحان دادن می خوانی و فقط یک مطالعه گذرا و سطحی نباشد. هر بار که چیزی را مطالعه کردی مطالب مهم را برای خودت یادداشت کن. مثلاً نکته ای را که می خواهی یادت بماند و برای برادران و دوستان بازگو کنی یادداشت کن. نکته دیگری هست که آن را خوب نمی فهمی؛ آن را نیز یادداشت کن تا از یکی از متخصصان سوال کنی. در هر جایی که کتابی را مطالعه می کنی، در آن عناصر مهم موضوعی وجود دارد؛ به نکته ای که در یکی از کتاب ها می خوانی اعتراض داری، همه ی این موارد را در دفتری که همیشه هنگام مطالعه همراهت هست

یادداشت کن. اگر به این روش پایبند باشی شکی نیست که همیشه در همه‌ی آن چه می‌خوانی دارای فهم و تمرکز لازم خواهی بود و عملاً به امکانات و توانمندی‌های زیادی که داری پی خواهی برد و استفاده‌ات چندین برابر آن چه فکر می‌کردی افزون خواهد شد. برای پی بردن به معنی حقیقی جدیت مورد نظر، می‌توانی به داستان‌های صحابه و تابعین و علمای اسلامی نظیر داستان زید بن ثابت، عبدالله بن عباس، امام شافعی، احمد بن حنبل، خوارزمی، جابر بن حیان و... ﷺ مراجعه کنی و روش و موضع گیری‌هایشان در مطالعه و تحصیل علوم را ببینی تا یقین حاصل کنی که توانمندی‌های بشر خیلی بالاتر از آن چیزی است که خیال می‌کنی. پاک و منزّه است خدا که انسان را آفرید و سپس او را سامان بخشید.

(در این زمینه می‌توانید به کتاب "ارزش وقت نزد علمای اسلامی"، تألیف عبدالفتاح ابو غده، ترجمه و شرح شیخ محمد علی خالدی، انتشارات ایلاف شیراز مراجعه فرمایید)

۶- دسته‌بندی اطلاعات و رعایت نظم در هر چیز: نظم و ترتیب در هر چیزی مطلوب است پس بکوش در تمام زندگی‌ات منظم باشی. وقتی بعد از مطالعه‌ی عمیق و دقیق به ثبت معلومات در دفتر ویژه‌ات می‌پردازی، معلومات را پراکنده ثبت نکن؛ زیرا مسلمان در کارهای خود منظم است. باید دفتری داشته باشی برای یادداشت علوم شرعی، دفتری برای علوم سیاسی، دفتری برای مطالعات ادبی، دفتری برای مطالعات تاریخی و به همین ترتیب...

اگر تخصصت بیشتر است این دفترها را با تفصیل بیشتر به اقسام دیگری نام گذاری کن و همه را در مکان معینی از خانه یا کتابخانه‌ی خصوصی‌ات قرار ده تا به آسانی بتوانی به هر کدام که خواستی مراجعه کنی و هرگاه بخواهی بتوانی نکات دیگر را به آن بیافزایی. این کار باعث تباه نشدن وقت و تلاشت می‌شود. این روش دقیق نه تنها به وقت و خانه‌ات نظم می‌بخشد بلکه عقلت را نیز منظم خواهد کرد.

بعضی از مردم را می‌بینی که به کلی منظم نیستند، بدون دقت و ترتیبی نکته‌ای را از شرق و نکته‌ای را از غرب می‌آورند. در حالی که دیگران را می‌بینی که معلومات و اطلاعات‌شان را به خوبی دسته‌بندی و مرتب ساخته‌اند که این نشان از منظم بودن عقلشان دارد. این گونه افراد هر چیزی را بعد از محاسبه‌ی دقیق انجام می‌دهند و از اهدافشان دور نمی‌شوند و زیاد از موضوع خارج نمی‌شوند؛ این کار جز با تمرین و ممارست ممکن نیست و فوایدش بسیار است.

بنده اکنون بعضی از سخنرانی‌های خود را از روی برگه‌هایی که بیش از ده، پانزده سال قبل نوشته‌ام القا می‌کنم؛ به این برگه‌ها نگاه می‌کنم، چیزهایی را به آن می‌افزایم و سخنرانی می‌کنم. سخنرانی را که ده سال پیش انجام داده‌ام، اکنون ده یا بیست سخنرانی شده و چیزی از آن کم نمی‌شود، بلکه بر عکس اضافه می‌شود.

این افزایش پس از فضل الهی از فضل نظم و ترتیب و دسته‌بندی است؛ این‌ها افزون بر راحتی روانی است که نظم به زندگی شما و زندگی کسانی که با شما هستند می‌بخشد.

۷- **تشکیل کتابخانه‌ای متنوع در خانه:** این برنامه را از مهم‌ترین برنامه‌های زندگی‌ات قرار ده. همان طور که زن و شوهر به فکر این هستند که اتاق خواب و پذیرایی داشته باشند باید به فکر کتابخانه‌ای برای منزل نیز باشند. این کار مهم را نباید به عنوان کار دسته دوم به آن نگاه کرد. و جزء تجملات هم نیست، بلکه چیزی اساسی در خانه است. مهم نیست که کتابخانه پر زرق و برق یا مجلل با قفسه‌های آب طلائی باشد ولی مهم است که چه کتاب‌هایی داشته باشد. شایسته است برنامه‌ای واضح برای خرید مجموعه کتاب‌های مهم در ذهنت باشد. این سخن فقط رو به ثروتمندان نیست، بلکه برای فقرا و ثروتمندان به طور یکسان است، زیرا هرگاه انسان به اهمیت چیزی پی ببرد بدون شک از خورد و خوراکش می زند تا آن را بخرد؛ چه بسا انسان برای یک وعده غذا بهای چهار، پنج کتاب پردازد، و چه بسا با بهای ده کتاب یک پیراهن بخرد، و چه بسا در یک سفر هفتگی به اندازه ی خرید یک کتابخانه خرج کند.

اگر این موضوع ذهنت را مشغول کرده می‌توانی کتابخانه‌ای متنوع و فراگیر از انواع علوم تشکیل دهی، هر چند در هر زمینه‌ای از علوم یک کتاب بیشتر نداشته باشد تا هرگاه به کتابی در زمینه خاصی نیاز پیدا کردی، داشته باشی و چنانچه از مطالعه در یک زمینه خسته شدی، کتاب دیگری در زمینه ی دیگر در آن پیدا کنی. این کتابخانه‌ای که تشکیل می‌دهی از صدقه‌های مهم جاری به شمار می آید؛ زیرا به خودت و فرزندانت و چه بسا نوادگانت و نوادگان‌شان بعد از آن نفع می‌رساند.

"به...با...و از..." این ها وسایل هشتم، نهم و دهم هستند که عبارتند از ارتباط میان تو و دیگران.

۸- **آن چه مطالعه می کنی به دیگران منتقل کن.** رسول الله ﷺ می فرماید: **بلغوا عنی ولو آیه؛ از من به مردم برسانید، اگر چه یک آیه باشد.**

بنابراین از انسان خواسته شده است تا آن چه را یاد گرفت به دیگران برساند، که در این کار فواید بی‌شمار و منافع عظیمی نهفته است. از جمله تثبیت علم در ذهن، فایده رساندن به دیگران با یاد دادن آن، یاددهنده مثل یادگیرنده اجر به دست می آورد، بدون این که از اجر یادگیرنده چیزی کاسته شود. افزون بر آن الله ﷻ در علمش برکت می اندازد. همیشه این قول را که از گذشتگان نقل شده به خاطر داشته باش:

«من عمل بما یعلم الله علم ما لم یعلم: کسی که به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند علم آن چه که نمی‌داند نصیبش می‌گرداند».

بنابراین هر مقدار که به مردم چیزی بیاموزی الله علمت را می افزاید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَیَعْلَمْکُمُ اللَّهُ وََاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ﴾ (بقره: ۲۸۲)

«و از خدا پروا کنید و خدا (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد و خدا بر هر چیزی داناست».

۹- **با دوستان و برادرانت در خواندن و مطالعه همکاری کن.** اگر سه، چهار و پنج نفر هستید، با دوستان مجموعه ای تشکیل دهید؛ هر کدام در زمینه ای مطالعه کنند؛ هفته ای یک بار یا دو بار، یا هر دو هفته ای یک بار با هم می‌نشینید، هر طور که شرایط و موقعیت اجازه دهد و هر یک از شما آن چه را که خوانده به دوستانش

عرضه می کند و به شکل منظم و پربار تبادل معلومات صورت می گیرد؛ چون مطالعه ی جمعی از فردی پربارتر است و بدین صورت هر یک از شما دیگری را مجهز به اطلاعات و معلومات خود می سازد و دستش را می گیرد و به خیر و نفع راهنمایی اش می کند و شیطان نمی تواند بر شما غلبه کند، زیرا او با انسان تنهاست و از دو نفر دور است تا چه برسد به سه یا پنج نفر!

۱۰- **نقل از علما است.** در وسیله هشتم علم را به کسانی که نمی دانستند انتقال می دادی و در وسیله نهم برای تحصیل علم و تشویق به مطالعه با دوستان و برادران همکاری می کردی. اما اکنون علم را از دانشمندان، متخصصان و اهل تجربه نقل می کنی. باید از آن جایی که دیگران به آن خاتمه داده اند شروع کنی و از متخصصان بپرسی: که چه را مطالعه کنی؟ و از کدام کتاب شروع کنی؟ و بهترین کتاب در این موضوع کدام است؟ و اگر در یک موضوع کتابی خوانده ای، پرس بعدش چه بخوانی؟ و بدین صورت...

در بسیار موارد انسان وقت زیادی را به مطالعه کتاب غیر مفید می گذرانند، یا به مطالعه ی کتابی دشوار. در حالی که کتاب آسان تر از آن وجود دارد یا به مطالعه کتاب سطحی می پردازد، در حالی که کتاب عمیق تر وجود دارد.

علمای گذشته چنان که می دانیم علم را از دیگران می آموختند و از آن جایی که گذشتگان به پایان برده بودند شروع می کردند. به همین دلیل خود نهایت استفاده را بردند و به دیگران نفع رسانیدند. هیچ یک از آنان در یادگیری و تلاش در طلب علم و پرسیدن از دیگران تکبر نداشتند. نزد کسانی که از خودشان آگاه تر بودند تواضع نشان می دادند که این امر به وضوح در داستان ائمه ی بزرگ و علمای ارزشمندی چون بخاری، نووی، ابن قیم و دیگر بزرگان آشکار است. در سایه نقل علوم دیگران و افزودن بر آن و توسعه آن بود که به این درجه علمی رسیدند. در نتیجه الله هدایتشان نمود و نسل های متوالی را به دست آنان هدایت کرد.

این ده وسیله ی یاد شده می تواند در زمینه مطالعه به انسان کمک کند و مطالعه اش را استمرار بخشد و از آن بهره برد و در آن تمرکز داشته باشد. شکی نیست که وسایل دیگری نیز وجود دارد ولی این جا به این مقدار بسنده می کنیم. **والله المستعان.**

چه چیز را مطالعه کنیم؟

به فرض این که قصد مطالعه داشته باشم و بخواهم یکی از اهداف مطالعه را محقق سازم و شور و اراده ی لازم را جهت رسیدن به هدف نیز داشته باشم. سوالی که به قوت مطرح می شود این است: چه چیز را مطالعه کنیم؟ بیایید با هم بیاندیشیم چه چیز را مطالعه کنیم؟

شاید بعضی ها در ابتدا تصور کنند که زمینه های مختلفی از علوم دینی را ذکر خواهم کرد، ولی به این افراد می گویم: منظورم از برنامه مطالعه این نیست؛ مسلمان انسان متوازی است؛ برای متوازن باقی ماندن نیاز دارد در زمینه های مختلفی مطالعه کند.

اسلام در هر نقطه از نقاط زندگی ما نقش دارد. از این رو هر مطالعه در هر زمینه مفید در دنیا، در میزان اسلام هم مطالعه ای سودمند و مطلوب به شمار می آید.

بیایید ده زمینه را مشخص کنیم که در آن ها مطالعه کنیم؛

طبیعی است که این زمینه ها فقط تعیین کردن چیزهایی است که باید آن را مطالعه کنیم، و این یک نوع شروع به کار است که هر کس بر اساس توانایی و نیاز خود بهره خواهد برد.

● **زمینه ی اول:** اولین، بزرگ ترین و مهم ترین کلماتی را که می خوانیم، کلمات قرآن کریم است. قرآن کریم، تنها به مجرد یک کتاب نیست که یک بار یا دو بار آن را بخوانید. قرآن کریم قانون اساسی اخلاق است؛ لازم است خواندنش به صورت مستمر و با تمرکز انجام گیرد.

علما گفته اند: بر هر مسلمانی واجب است که بکوشد هر ماه یا کم تر از آن یک بار قرآن را دور کند. بنابراین بایستی در برنامه ی روزانه ات خواندن قرآن کریم جایگاه روشنی داشته باشد. سخن یاد شده اهمیت خاصی پیدا می کند، از این جهت که بسیاری از کسانی که به بررسی و مطالعه علوم مختلف می پردازند از قرائت قرآن غافل می مانند که این مشکل خطرناکی است. **الله ﷻ** از لطف و رحمتش ما را به خواندن قرآن (قانون اساسی مان) تشویق می کند. به این صورت که در مقابل هر حرفی که می خوانیم به ما یک حسنه و نیکی می بخشد سپس آن نیکی را ده برابر می گرداند! این چیز عجیبی است. زیرا یک حرف به تنهایی معنای کاملی ندارد بلکه برای کامل شدن فهم معنی باید یک کلمه تشکیل شود. ممکن بود که **الله ﷻ** در مقابل هر کلمه ای یک نیکی ببخشد ولی **الله متعال** از باب کرمش پاداش بنده را در مقابل هر حرفی که می خواند قرار داده است، و خود رسول **الله ﷺ** بر این معنا تاکید می کند تا معنای دیگری از آن فهمیده نشود. در سنن ترمذی با سندش از **عبدالله بن مسعود رضی الله عنه** روایت است که رسول **الله ﷺ** می فرماید:

«من قرأ حرفاً من کتاب الله فله به حسنه، والحسنه بعشر امثالها... لا اقول (الم) حرف، ولكن الف حرف، و لام حرف و میم حرف»

«کسی که یک حرف از کتاب الله را بخواند در مقابل آن یک نیکی دارد، و آن نیکی ده برابر می شود، نمی گویم (الم) یک حرف است، بلکه الف یک حرف و لام یک حرف و میم یک حرف است».

بنابراین اولین چیزی که به خواندنش اهتمام می ورزیم قرآن است.

● **زمینه ی دوم:** این زمینه نیز که از اهمیت زیادی برخوردار است احادیث رسول الله ﷺ است. در حقیقت این مصدر، گرچه از اهمیت زیادی برخوردار است و بعد از قرآن دومین مصدر قانون گذاری به شمار می رود! اما در این زمینه نیز قصور می ورزیم. این در حالی است که الله متعال به رسول الله ﷺ کلمات جامع بخشیده است؛ به این معنی که کلمات کوتاهی که می گوید، حاوی معانی بسیار عمیق و وسیعی است و با خواندن یک حدیث بسیار کوتاه به مقدار زیادی از علم، معرفت و حکمت دست می یابید.

بسیاری از ما گاهی قرآن می خوانند ولی بسیار اندکند کسانی که چشم و عقل خود را از کلمات رسول الله ﷺ بهره مند سازند! حتی اگر یکی از ما آن را بخواند چه بسا که آن را به شکلی سطحی و نامنظم می خواند. ما می - خواهیم خواندن احادیث شریف نبوی جزئی اساسی از شخصیت شما باشد.

هر گاه روزانه یکی دو حدیث از احادیث شریف نبوی را بخوانی و بر بعضی معانی آن اطلاع یابی! حجم معلومات بسیار زیاد خواهد شد. سنت رسول الله که شامل سخنان، اعمال و تاییدات ایشان است گنجینه ای بسیار با ارزش از گنجینه های است که در دسترس ما هستند و الحمدلله کتاب های سنت زیاد است.

باید از کتاب های مقدماتی و به تدریج شروع کرد که خیر فراوانی در بر دارد؛ مثلاً از **اربعمین نووی** شروع کن، بعد **ریاض الصالحین** که باز هم از امام نووی است، بعد کتاب **اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان**. همچنین **مختصر صحیح بخاری** و **مختصر مسلم** و کتاب های حدیث دیگر. مهم این است که شما نظیر این ها را بخوانی.

● **زمینه ی سوم:** مطالعه علوم شرعی. با کمک گرفتن از علما یا کسانی که در زمینه ی مطالعه از تو جلوترند می توانی برای مطالعه در زمینه ی علوم شرعی برنامه ریزی کنی. علوم اسلامی زیاد هستند، پس بکوش از هر باغی گلی بچینی و در هر زمینه ای از زمینه های علوم شرعی کتابی مطالعه کنی که این کار به شما پشتوانه ی بسیار خوبی می دهد و برای پایه ی استواری می سازد که می توانی بعد از آن ان شاء الله ساختمان بزرگی بر آن بنا کنی. می بایست از کتاب های ساده و مختصر شروع کنی سپس با مرور زمان به آن توسعه بخشی. به عنوان مثال می توانی کتاب های زیر را تهیه کنی که از خلال آن خواهی توانست زیر بنای محکمی از علوم اسلامی را بنا کنی:

۱- "مختصر تفسیر ابن کثیر" کتاب بسیار زیبایی در تفسیر قرآن کریم است. از امتیازات این کتاب سادگی در اسلوب و آسانی در عبارت است. می توانی از جزء عم و تبارک شروع کنی و بعد از آن تفسیر سوره های را بخوانی که از حفظ داری، مانند (بقره، کهف، یس، واقعه). سعی کن جدولی برای مطالعه آن تهیه کنی و بکوش به آن پایبند باشی.

۲- کتاب "فقه السنه" جزء اول از احکام نماز، زکات، روزه و حج سخن می گوید که این کتاب برای انجام عبادات به شکلی صحیح آن گونه که الله ﷻ به آن امر کرده بسیار مهم است.

۳- "کتاب الایمان" تالیف دکتر محمد نعیم یاسین که کتابی بسیار ساده در زمینه عقاید اسلامی است. مولف در این کتاب از کیفیت ایمان به الله، فرشتگان، کتاب‌های الهی، روز آخرت و ایمان به قضا و قدر سخن می‌گوید.

۴- "مختصر منهاج القاصدین" که در زمینه مسائل اخلاقی و روحی و بیماری‌های قلبی و کیفیت معالجه‌ی آن، کتابی سودمندی است و به بعضی آفت‌های اخلاقی همچون غضب و بخل پرداخته است. از چگونگی توبه سخن می‌گوید و این که چگونه الله را دوست بداری و چگونه الله تو را دوست می‌دارد؟ این کتاب حقیقتاً کتاب سودمندی است.

۵- کتاب "اخلاق اسلامی" تالیف شیخ محمد غزالی رحمته الله علیه که در زمینه فهم اخلاق اسلامی برای هر مومن، بسیار سودمند است.

۶- "المرأة فی التصور الاسلامی" تالیف دکتر عبدالمتعال جبری رحمته الله علیه که در زمینه ارزش زن و نقش آن و شبهاتی که پیرامون آن ایجاد شده و جواب به آن شبهات، کتابی مهم و قوی است. این کتاب نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز مفید است. (این کتاب تحت عنوان "زن در اندیشه اسلامی" به فارسی ترجمه و منتشر شده است.)

۷- "الرحیق المختوم" تالیف عبدالرحمن مبارکپوری که موضوع آن شرح ساده‌ی سیرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از تولد تا وفات است. با مطالعه این کتاب می‌توانی تصویری اجمالی از زندگی برترین خلق و خاتم پیامبران به دست آوری. (این کتاب نیز به عناوین مختلف ترجمه و چاپ شده است.)

۸- "نمونه‌هایی از حیات صحابه" تالیف عبدالرحمن رأفت پاشا، که در زمینه‌ی زندگی بعضی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کتابی جالب است و از امتیازات کتاب لغت زیبا و اسلوب آسان و معلومات زیاد آن است.

۹- "ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین" تالیف ابوالحسن ندوی رحمته الله علیه که در شرح وضعیت مردم پیش از اسلام و این که اسلام چگونه مفاهیم رایج در بین مردم را تغییر داد و تصحیح کرد، کتاب بسیار مهمی است. اگر چه دوست داشتم که مولف اسم کتاب را از "بانحطاط مسلمین" "بتاخر المسلمین" تغییر می‌داد ولی در کل کتابی ممتاز و زیباست.

۱۰- کتاب "من روائع حضارتنا" تالیف دکتر مصطفی السباعی رحمته الله علیه. این کتاب از زیباترین و شیوا ترین کتاب‌هایی است که درباره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی و میزان ترقی و پیشرفتی که مسلمانان در زمینه‌های مختلف فرهنگی به آن دست یافته اند نگاشته شده است.

همچنین در زمینه‌ی شرح احادیث نبوی می‌توانی کتاب "جامع العلوم والحکم" تألیف ابن رجب حنبلی مطالعه کنید که بیش از پنجاه حدیث از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را با شیوه‌ای بسیار زیبا و منظم شرح داده است. همچنین کتاب "العباده فی الاسلام" دکتر یوسف قرضاوی که این کتاب در شرح معنی عبادت در اسلام و بیان شمولیت آن بر همه‌ی امور زندگی کتابی پرمایه است.

این ها بعضی مثال های گذرا بود و شکی نیست که کتاب های بسیار مهم دیگری نیز وجود دارد ولی مهم شروع کردن است.

زمینه ی چهارم: مطالعه در زمینه های تخصصی است. هر چند این جنبه از اهمیت زیادی برخوردار است اما می- بینیم بسیاری از کسانی که پایبند به دین هستند و به خصوص دانشجویان دانشگاه ها بسیار کوتاهی می ورزند. بنابراین مطالعه در زمینه ی تخصص های دنیوی بی نهایت مهم است. پزشک باید در زمینه ی پزشکی مطالعه کند و مهندس در زمینه ی مهندسی و شیمیدان در زمینه ی شیمی و جغرافی دان در زمینه ی جغرافیا و بدین صورت هر یک در تخصص خودش باید مطالعه داشته باشد.

همیشه مطالب جدید را مطالعه کن. سطح سوادت را نیکو بگردان و توانمندی ها و استعداد ها و امکانات خودت را بالا ببر.

مطالعه در این زمینه بسیار مهم است. ما از مهندس نمی خواهیم رشته ی خود را رها کند و در زمینه ی فقه متخصص شود؛ از فیزیک دانان نمی خواهیم فیزیک را ترک کند و متخصص تفسیر شود. بلکه ما اگرچه به متخصصان شریعت نیاز داریم نیازمان به دانشمندان زیست شناسی شدیدتر است.

یک بار به جشن فارغ التحصیلی تعدادی از فارغ التحصیلان دانشکده ی علوم دعوت شدم و حاضران از مسائل مهمی که ممکن است در آینده در زندگی عملی شان مفید باشد پرسیدند. بنده عرض کردم: در ابتدا می دانم که شما اکنون به مسائل کار و کسب و ازدواج مشغول هستید و شکی نیست که این قضایا مهم است اما اولین نصیحتم به شما این است که مسیر علمی تان را کامل کنید و برتری تان در زمینه ی درسی تان را ادامه دهید. شایسته است همه ی حاضران برای کارشناسی ارشد و دکترا ثبت نام کنند و چرا نه؟ آیا کسانی که برای کسب این درجات علمی ثبت نام می کنند از مسلمانی که به دینش متعهد و پایبند است برتر و ممتازتر است؟ برعکس، مسلمان مومن پایبند به دین، انگیزه های والاتر زیادی برای کسب علم دارد؛ زیرا او هدفش از کسب علم رضای الله متعال و بهشت است. همچنین قصدش آبادانی زمین و نفع رساندن به بشریت و خدمت به انسانیت است. همه- ی این ها از مومن ساخته است.

زمینه ی پنجم: مطالعه در زمینه ی تاریخ است که بسیار مهم است. در جاهای مختلف زیادی از اهمیت تاریخ سخن گفته ام. تاریخ فوق العاده مهم است. همین بس که یک سوم قرآن تاریخ است. یک سوم قرآن از داستان های گذشتگان سخن می گوید. هدف از آن روشن است که عبارت باشد از استخراج عبرت ها و اندیشیدن درباره ی حوادث و استنباط سنت خدای متعال در دنیا و در میان آفریدگانش.

هر چند همه ی تاریخ مهم است اما رعایت اولویت لازم است.

مهم ترین چیزی که مطالعه می کنیم تاریخ رسول الله ﷺ است سپس تاریخ خلفای راشدین، سپس بقیه تاریخ اسلامی .. پس از این ها تاریخ غیراسلامی است. در موضوع سیرت رسول الله ﷺ در ابتدا می توانید از این کتاب ها استفاده کنید: از کتاب "الرحیق المختوم" تالیف مبارکفوری (چنانچه قبلا اشاره کردیم شرح ساده از سیرت

نبوی از تولد تا وفات است)، بعد از آن کتاب "سیره ابن هشام"، "فقه السیره" تالیف بوطی، "فقه السیره" تالیف غزالی و کتاب‌های دیگر که زیاد است. همچنین خواندن تاریخ خلفاء راشدین نیز مهم است که بایستی از کتاب "اتمام الوفاء فی سیره الخلفاء" تالیف خضری بک شروع کنید.

همچنین نیاز دارید درباره‌ی صحابه‌ی پیامبر ﷺ مطالعه کنید که می‌توانی در این زمینه از کتاب "صور من حیاة الصحابه" عبدالرحمن رأفت پاشا (که قبلاً به آن اشاره شد) شروع کنید.

از کتاب‌هایی که تحلیل‌های مهمی بر تاریخ اسلامی دارد می‌توان از کتاب‌های "ماذا خسر العالم بانحطاط مسلمین" تالیف ابوالحسن ندوی رحمته الله، کتاب "من روائع حضارتنا" تالیف دکتر مصطفی السباعی رحمته الله و کتاب "حماء الاسلام" تالیف مصطفی نجیب رحمته الله نام برد (این کتاب واقعا جالب و شیواست). این کتاب‌ها اطلاعات را توسعه می‌بخشد و درهای زیادی را در برابر چشمانت می‌گشاید، درهایی که دشمنانت در حد توانشان کوشیده‌اند به رویت ببندند.

زمینه‌ی ششم: بعد از تاریخ، مطالعه واقعیت‌ها (مسائل روز) مهم می‌نماید.

این زمینه بسیار مهم و حساس است و در عین حال مطالعه‌ی آن برای مسلمان با فرهنگ و آگاه واجب است. منظورم از واقعیت، واقعیتی است که در آن زندگی می‌کنیم. مطالعه‌ی وقایع سیاسی، اقتصادی، و علمی در جهان. مطالعه‌ی این وقایع در کشور و در کشورهای اسلامی و به طور عموم در کشورهای جهان.

شکی نیست که تغییرات سیاسی که در جهان رخ می‌دهد تاثیر بسیار زیادی بر امت اسلام خواهد گذاشت و اگر عملاً می‌خواهی امت اسلام را به پا کنی، پس شایسته است که به صورتی دقیق بدانی پیرامونت در سطح جهانی و منطقه‌ای چه می‌گذرد. این گفته که سخن از سیاست جزء منکرات یا محرمات است سخنی پوچ و بی ارزش است و تلاش‌هایی که برای ترویج این دیدگاه صورت گرفته ناکام مانده است.

بنابراین سیاست، اقتصاد، تجارت، کشاورزی، جنگ‌ها و معاهدات اجزاء جداناپذیر اسلام‌اند، درحالی که بعضی دعوتگران به این امور اهمیت نمی‌دهند و در نتیجه از زندگی مردم و واقعیت‌شان کناره می‌گیرند و از همین رو بر آنان تاثیر گذار نیستند و نمی‌توانند وضعیت آنان را تغییر دهند.

بایستی به صورتی گذرا روزنامه‌ها را پی‌گیری کنی و از روزنامه‌های مختلف داخلی، خارجی و دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اطلاع یابی و سایت‌های خبری جهان مثل "بی بی سی" و "سی ان ان" را مورد پی‌گیری قرار دهی. ولی هنگام خواندن اخبار باید از گمراه سازی هدفمند و غیرهدفمند برحذر باشی و تلاش کن بین اخبار مقایسه کنی، بعد از مدت زمانی که گذشت بدون شک به قدرت تشخیص بالایی دست می‌یابی که می‌توانی بین درست و اشتباه، حقیقت و دروغ را تشخیص دهی.

زمینه‌ی هفتم: از جمله زمینه‌های مطالعه که بسیار در آن کوتاهی می‌ورزیم خواندن نظر دیگران است.

با کمال تأسف بسیاری از ما توان شنیدن یا خواندن نظر دیگری را نداریم. حتی بعضی‌ها نمی‌توانند نظر عالم مسلمانی را بخوانند یا بشنوند که به مکتب فکری ایشان منسوب نیست تا چه رسد به این که نظر آنان را بخوانند

که به کلی اندیشه‌ی اسلامی را ندارند! در حالی که همه می‌دانیم: "حکمت گمشده‌ی مومن است و هر جا آن را بیابد او به آن سزاوارتر است".

ما نیاز داریم که نظرات دیگران را بخوانیم و با دیدگاه‌شان، دلایل و آراءشان آشنا شویم. ما نیاز داریم افکار مکاتب غیر اسلامی را نیز بخوانیم. مسلمانانی هستند که دیدگاه‌های غیراسلامی دارند: دیدگاه‌های قومی، لائیک، غرب‌گرا، ملی‌گرا، سوسیالیستی و بعضی‌شان دیدگاه‌های منفعتی دارند که فقط به منافع شخصی‌شان می‌اندیشند. باید بخوانیم که این‌ها چگونه می‌نویسند و چگونه می‌اندیشند و طرح و برنامه‌های‌شان چیست؟

از این نیز پا فراتر نهاده و می‌گوییم؛ ما نیاز داریم که نوشته‌های غیرمسلمانان را نیز بخوانیم. ما نیاز داریم بدانیم که یهود چگونه می‌اندیشد؟ مسیحیان چگونه می‌اندیشند؟ ما نیاز داریم خاطرات "نیکسون"، "ریگان"، "بوش"، "کلینتون"، "کیسنجر"، "دیوید کوک" و دیگران را بخوانیم. که بینیم نگاه‌شان به ما مسلمانان چگونه است؟ چگونه کشور داری می‌کنند؟ چگونه با ما می‌جنگند؟ و چگونه با ما پیمان صلح می‌بندند؟

این جنبه‌ی بسیار مهمی است. نیاز داریم برای آن وقت بگذاریم و شکی نیست که هنگام مطالعه و شنیدن نظرات دیگران معلومات‌مان بسیار توسعه می‌یابد و باید همیشه در ذهنت این باشد که: "شروع گوش دادن دیگران به تو این است که تو به آنان گوش فرا دهی".

زمینه‌ی هشتم: خواندن شبهاتی که درباره‌ی اسلام مطرح کرده‌اند و روش جواب دادن به آن‌ها.

شبهاتی که از زمان نزول رسالت تاکنون درباره‌ی اسلام مطرح کرده اند خیلی زیاد است. آن چه می‌دانیم و به آن یقین داریم این است که اسلام دینی کامل بدون عیب یا اشتباه است. زیرا از جانب پروردگار جهانیان است. ولی بسیاری از ما دلایل قانع کننده برای پاسخ به شبهه نداریم و بسیاری از ما از حقی که با ماست و بر آن هستیم آگاه نیستیم. در این زمان نیز شبهات پیرامون دین بزرگ‌مان زیاد شده و برای آن‌ها کنفرانس‌ها تشکیل، اموال هنگفتی هزینه و نیروهای زیادی بسیج شده است. وظیفه‌ی ماست که به این شبهات جواب دهیم و حجت را با حجت و برهان را با برهان در هم کویم.

دیدگاه اسلام درباره‌ی زن چیست؟ جواب ما به کسانی که می‌گویند اسلام با زور شمشیر انتشار یافته چیست؟ پاسخ ما به آنانی که می‌گویند اجرای حدود شرعی، از مردم ملتی معلول و دست و پا بریده می‌سازد چیست؟ پاسخ ما به کسانی که اسلام را دین ترور و خشونت و دگم‌اندیشی و واپس‌گرایی می‌دانند چیست؟ تمام این شبهات سخنانی مردود است و پاسخ‌های عقلی، منطقی، قوی و قانع کننده دارند. فقط وظیفه داریم مطالعه کنیم و می‌توانیم در این زمینه از کتاب "شبهات حول الاسلام" اثر استاد محمد قطب رحمته الله و کتاب "حقائق الاسلام و ابطال خصومه" تالیف عقاد و کتاب "الاسلام فی قفص الاتهام" دکتر شوقی ابو خلیل و کتاب‌های دیگر که زیاد است، کمک بگیریم.

زمینه‌ی نهم: که نیاز به مطالعه دارد و شاید غریب جلوه کند در زمینه کودکان است! بسیاری مواقع از برنامه‌مان خارج می‌شود که تربیت کودکان، علمی است که اصول و فنون خاص خود را داراست. کتاب‌هایی که در این

زمینه نوشته شده زیاد است از جمله کتاب "تربیه الأولاد فی الاسلام" اثر عبدالله ناصح علوان است و نیز دیگر کتاب‌هایی که دانشمندان علوم تربیتی درباره‌ی روان‌شناسی کودکان و نیازهای‌شان نوشته‌اند. ما نیاز داریم در زمینه‌ی داستان کودکان نیز مطالعه کنیم تا بتوانیم در خواندن داستان هدفمند برای کودکان در باشگاه یا مسجد یا منزل روش مناسب را به کار گیریم.

عقل‌های کودکان خیلی بزرگ‌تر از آن چیزی است که ما به آنان ارائه می‌دهیم. مناسب نیست آن چه در ذهن و عقل کودکان مسلمان وجود دارد بعضی فیلم‌های کارتن باشد که گاهی در بر دارنده‌ی خشونت و تحریک جنسی است. علوم مهم و ارزشمندی هست که اگر با شیوه‌ی مناسب عرضه شود، کودکان می‌توانند آن‌ها را یاد بگیرند.

مهارت در آموزش کودکان در گرو خواندن کتاب‌های تربیتی و داستان کودکان است و شکی نیست که اگر موفق شویم نسلی دوستدار مطالعه و علم را به وجود آوریم، وضعیت امت اسلامی ان شاءالله به وضعیت بهتری تغییر خواهد یافت.

زمینه‌ی دهم: و پایانی که خواندن و مطالعه در آن لازم است (اگر چه یقین دارم که زمینه‌های مهم دیگری نیز وجود دارد که به آن پرداخته‌ام) مطالعه سرگرمی و تفریحی است!

نفس بشری خسته می‌شود و به استراحت و تفریح نیاز دارد و هیچ مانعی ندارد که مسلمان قسمتی از وقتش را به مطالعه‌ی مطالب سرگرم‌کننده و شادی آور بپردازد. هیچ مانعی ندارد اشعار زیبا مطالعه کند. اخبار ورزشی، کاریکاتورها، یا بعضی لطیفه‌های زیبا را بخواند. ولی لازم است در این زمینه به دو چیز مهم پایبند باشد:

■ اول: نباید از برنامه و روش اسلامی خارج شود. یعنی مثلاً خواندن داستان‌های غیراخلاقی که تشویق‌کننده به رذیلت است و یا دختران را وادار می‌کند بدون اطلاع خانواده با دوست‌پسر ملاقات کند و این را محبتی شرافتمندانه بنامند، جایز نیست؛ نباید شعری که با عفت منافات دارد مطالعه کرد که به سبب آن گناهکار می‌شویم.

■ دوم: وقتی که برای مسائل تفریحی و سرگرم‌کننده می‌گذرانیم نباید زیاد باشد. زیرا ما امتی اهل جدیت هستیم. گاهی در این زمینه‌ها برای رفع خستگی از تن مطالعه می‌کنیم؛ امتی سست و بی‌فکر نیستیم که تنها بعضی لحظات جدی باشیم.

مواردی که بیان شد ده زمینه بود که می‌شود مطالعه را به وسیله‌ی آن‌ها شروع کرد. البته راه مطالعه راهی طولانی است، ولی نهایتش بسیار زیباست. رسول الله ﷺ در حدیثی که امام مسلم روایت نموده است می‌فرماید: «و من سلک طریقاً یلتمس فیه علماً سهل الله له به طریقاً الی الجنة»

«کسی که راهی را به قصد طلب علم بپیماید، خداوند به سبب آن راهی را برای او به سوی بهشت هموار می‌گرداند».

از الله ﷻ می خواهیم راه علم را برای ما آسان و راه های بهشت را برای ما هموار بگرداند و در دین آگاهمان سازد و آن چه برایمان سودمند است به ما یاد دهد و توفیق عنایت فرماید تا از چیزهایی که یاد گرفته ایم نفع ببریم؛ زیرا او کاردان آن و توانا بر آن است. آن چه را که برایتان باز گفتم به یاد خواهید داشت و کارم را به خدا می سپارم که بی گمان او نسبت به بندگان آگاه است.

«والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته»